آمریکا چگونه ایران را متهم می‌کند؟

هرمز؛ بهانه آمریکا برای اجرای گزینشی تفاهم و تداوم تجاوزگری



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جنگ‌طلب و ستیزه‌جوی آمریکا، در تازه‌ترین موضع‌گیری خود، یادداشت تفاهم با ایران را «یک آزمون» توصیف کرده و مدعی شده است که تهران به آن پایبند نمانده است! این ادعا هم‌زمان با تشدید تنش‌ها در تنگه هرمز و ازسرگیری حملات متجاوزانه آمریکا مطرح شده‌است؛ شرایطی که بار دیگر اختلاف دو طرف بر سر مفاد، نحوه اجرا و حدود تعهدات تفاهم را به کانون تحولات بازگردانده است.

اکنون واشنگتن می‌کوشد با برجسته‌کردن پاسخ‌ها و اقدامات ایران و کمرنگ‌سازی نقش خود در تجاوزگری‌های اخیر، روایت مطلوبش از شکست تفاهم را به افکار عمومی و متحدانش تحمیل کند؛ روایتی که بدون بررسی ترتیب زمانی رخدادها و اقدامات پیشین آمریکا نمی‌توان درباره صحت آن داوری کرد.

نخستین گام دولت آمریکا برای توجیه دور تازه تجاوزگری علیه ایران، بازسازی روایت شکست تفاهم و معرفی تهران به‌عنوان طرف ناقض آن بوده است. رئیس‌جمهور جنگ‌طلب آمریکا، تفاهم را «آزمونی» معرفی کرده که به ادعای او ایران در آن موفق نبوده است.

کاخ سفید نیز همین ادعا را در نامه رسمی ترامپ به کنگره نیز تکرار کرد و مدعی شد حملات نظامی در واکنش به نقض تفاهم از سوی ایران از سر گرفته شده است؛ روایتی که دولت آمریکا می‌کوشد با استناد به آن، برای خود یک دوره ۶۰روزه جدید جهت ادامه جنگ بدون مجوز کنگره ایجاد کند.

مواضع خود ترامپ اما نشان می‌دهد که دولت او از ابتدا تفاهم را نه تعهدی متقابل برای پایان جنگ، بلکه ابزاری موقت و مشروط برای تحمیل خواسته‌های واشنگتن می‌دانست. ترامپ همان روز امضای یادداشت تفاهم تهدید کرده بود که چنانچه مفاد آن را نپسندد یا ایران مطابق خواست او «رفتار» نکند، بمباران را از سر خواهد گرفت! چنین سخنانی عملاً به این معنا بود که رئیس‌جمهور ستیزه‌جوی آمریکا پیشاپیش برای خود حق تفسیر یک‌جانبه تفاهم و بازگشت به تجاوز نظامی را محفوظ می‌دانست.

این روایت حتی در داخل ساختار سیاسی آمریکا نیز با اعتراض جدی روبه‌رو شده است؛ چاک شومر رهبر اقلیت دموکرات در سنا، تصریح کرد که تفاهم ادعایی ترامپ با ایران پیش از خشک‌شدن جوهر آن فروپاشید و سیاست او را چرخه‌ای تکراری از اعلام پایان جنگ، آغاز دوباره حملات، توقف کشتیرانی و افزایش هزینه‌ها دانست. او از ترامپ خواست به رأی اکثریت‌های دوحزبی مجلس نمایندگان و سنا برای پایان جنگ و خارج‌کردن نیروهای آمریکایی از درگیری با ایران پایبند باشد.

آدام شیف سناتور دموکرات نیز پس از ازسرگیری حملات گسترده و اعلام محاصره مجدد ایران، قطعنامه تازه‌ای بر اساس قانون اختیارات جنگی ارائه کرد. او ادعای دولت ترامپ مبنی بر آغاز یک مهلت ۶۰روزه جدید را فاقد مبنای قانونی خواند و تأکید کرد که نیروهای آمریکایی حتی در دوره اجرای آتش‌بس نیز به اعمال قدرت نظامی ادامه داده‌اند. از نگاه او، ترامپ طی چند روز آمریکا را از یک تفاهم شکننده به حملات بیشتر، محاصره‌ای تازه و آشفتگی گسترده‌تر کشانده است.

بنابراین، آنچه واشنگتن با عنوان نقض تفاهم از سوی ایران عرضه می‌کند، صرفاً توصیف یک اختلاف سیاسی نیست بلکه بخشی از عملیات مشروعیت‌سازی برای تطهیر متجاوز و ادامه جنگ است. دولت آمریکا می‌کوشد با حذف رفتارهای تهدیدآمیز ترامپ، استمرار فشار نظامی و مخالفت آشکار کنگره، واکنش‌های ایران را نقطه آغاز بحران معرفی کند و مسئولیت ازسرگیری تجاوز را از دوش کاخ سفید بردارد.

روایت کاخ سفید از جایی آغاز می‌شود که برای متهم‌کردن ایران مناسب‌تر است؛ یعنی حوادث تنگه هرمز. این در حالی است که بند نخست تفاهم بر «پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در همه جبهه‌ها، از جمله لبنان» و تضمین حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور تأکید داشت.با وجود این تعهد صریح، رژیم صهیونیستی به حملات متجاوزانه خود علیه لبنان ادامه داد. از آنجا که متن تفاهم آمریکا و متحدانش در جنگ را نیز دربر می‌گرفت، واشنگتن نمی‌تواند از مسئولیت خود در قبال ادامه تجاوزگری نزدیک‌ترین متحدش شانه خالی و سپس ایران را نخستین ناقض سند معرفی کند.

آمریکا سپس خود نیز مفاد نظامی تفاهم را آشکارا زیر پا گذاشت. بند نخست هرگونه آغاز عملیات نظامی و تهدید یا استفاده از زور را ممنوع می‌کرد و بند دوم دو طرف را به احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر ملزم می‌ساخت اما حملات ارتش آمریکا به مناطق جنوبی و شرقی ایران و تأسیسات نظارتی ساحلی، با هر دو تعهد در تعارض بود. ازسرگیری رسمی حملات متجاوزانه در هفتم ژوئیه نیز نشان داد واشنگتن پیش از آنکه سازوکار نظارت بر اختلاف‌ها را فعال کند، مستقیماً به ابزار جنگ بازگشته است.

نقض‌ها به حوزه نظامی محدود نماند؛ براساس بند نهم، آمریکا نباید تحریم تازه‌ای وضع یا نیروی اضافی در منطقه مستقر می‌کرد؛ بااین‌حال، تحریم‌های جدید اعمال شد.بند دهم واشنگتن را موظف می‌کرد مجوز صادرات نفت، خدمات بانکی، بیمه و حمل‌ونقل ایران را تا زمان رفع تحریم‌ها حفظ کند اما وزارت خزانه‌داری این مجوز را لغو کرد.

همچنین بند یازدهم بر قابل‌استفاده‌شدن دارایی‌های مسدودشده ایران تأکید داشت، در حالی که تا پایان ژوئن حتی ۶ میلیارد دلار موجود در حساب‌های قطر نیز به تهران منتقل نشد.

از سوی دیگر، بازگرداندن محاصره دریایی ایران با بند چهارم که آمریکا را ملزم به آغاز فوری رفع محاصره و پایان کامل آن ظرف ۳۰ روز می‌کرد، مغایرت داشت.

این بندها تعهداتی جدا و گزینشی نبودند؛ بند سیزدهم آغاز و ادامه مذاکرات نهایی را به اجرای مستمر بندهای یک، چهار، پنج، ده و یازده مشروط کرده بود. بنابراین، تداوم تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، حملات مستقیم آمریکا به ایران، اعمال تحریم‌های تازه، لغو معافیت نفتی، آزاد نکردن دارایی‌ها و بازگرداندن محاصره دریایی، پایه‌های اجرایی تفاهم را پیش از ادعاهای ترامپ درباره رفتار ایران متزلزل کرده بود.

کاخ سفید با حذف این توالی، واکنش‌های بعدی تهران را نقطه آغاز بحران جلوه می‌دهد؛ حال آنکه اسناد نشان می‌دهد واشنگتن ابتدا تعهدات خود را گزینشی و سپس اصل تفاهم را قربانی سیاست فشار و تجاوزگری کرد.

اختلاف بر سر تنگه هرمز، اصلی‌ترین بهانه واشنگتن برای متهم‌کردن ایران و توجیه دور تازه تجاوزگری شده است. آمریکا بند مربوط به عبور کشتی‌های تجاری را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کند که گویی ایران موظف بوده بدون هیچ شرط، هماهنگی یا ترتیبات امنیتی، همه مسیرهای مورد نظر واشنگتن را باز نگه دارد؛ در حالی که در تفاهم، عبور ایمن شناورها با نقش ایران در تنظیم مسیرها و تأمین امنیت این آبراه پیوند خورده بود.

واشنگتن از یک سو بر تعهد ایران به عبور کشتی‌ها تأکید می‌کند و از سوی دیگر، بخش مربوط به مرجعیت و حقوق ایران در ترتیبات امنیتی هرمز را نادیده می‌گیرد. تلاش برای ایجاد مسیرهای موازی، عبور شناورها از مسیرهای تأییدنشده و واردکردن قدرت‌های فرامنطقه‌ای به معادلات امنیتی تنگه، اجرای تفاهم محسوب نمی‌شود؛ بلکه تلاشی برای دورزدن آن و بی‌اثرکردن نقش دولت‌های ساحلی است.اظهارات مقام‌های آمریکایی نیز این نگاه گزینشی را آشکار می‌کند. جی‌دی ونس معاون ترامپ تفاهم را به معادله‌ای یک‌طرفه تقلیل داده که بر اساس آن، ایران باید همه الزامات مورد نظر واشنگتن را اجرا کند و آمریکا فقط در صورت رضایت از رفتار تهران، محاصره را بردارد.

ترامپ نیز با توصیف تفاهم به‌عنوان «آزمون» نشان داد که دولت جنگ‌طلب آمریکا این سند را تعهدی متقابل برای پایان جنگ نمی‌دانسته، بلکه آن را ابزاری برای سنجش میزان عقب‌نشینی ایران تلقی می‌کرده است.

بر همین اساس، بحران کنونی هرمز را نمی‌توان صرفاً نتیجه اختلاف درباره عبور چند شناور دانست. مسئله اصلی آن است که آمریکا ابتدا تعهدات اقتصادی و نظامی خود را گزینشی اجرا کرد، سپس حقوق ایران در تنظیم امنیت آبراه را کنار گذاشت و در نهایت، واکنش تهران را دستاویزی برای ازسرگیری حملات متجاوزانه قرار داد.

این روند نشان می‌دهد اتهام نقض تفاهم بیش از آنکه شرح واقعیت باشد، پوششی سیاسی برای تطهیر متجاوز، انتقال مسئولیت شکست دیپلماسی و مشروعیت‌بخشی به ادامه جنگی است که دولت ستیزه‌جوی ترامپ خود مسیر آن را هموار کرده است.

PDF Compressor Free Version

اسرائیل برای تخریب مذاکرات ایران - آمریکا پول خرج می کند



معاون رئیس جمهور آمریکا هشدار داد که رژیم صهیونیستی در حال شکست در نبرد افکار عمومی در آمریکا است و اشاره کرد که یک کمپین نفوذ خارجی از سمت تل‌آویو مذاکرات او با ایران را هدف قرار داده است.

جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، در پادکست «تجربه جو روگان» گفت که رژیم صهیونیستی «در حال شکست در نبرد افکار عمومی» در ایالات متحده است. او گفت که رئیس جمهور آمریکا نیز اظهارات مشابهی را علناً بیان کرده است.

ونس در طول مصاحبه نسبت به دخالت خارجی هشدار داد و گفت در حالی که دولت‌های خارجی اغلب به دنبال شکل دادن به سیاست ایالات متحده هستند، نگرانی زمانی ایجاد می‌شود که رهبران آمریکایی اجازه می‌دهند نفوذ خارجی «بر قضاوت آنها تأثیر بگذارد.» او در مورد تلاش‌های دیپلماتیک اخیر خود صحبت کرد و به یک فشار خاص علیه سیاست‌هایش اشاره کرد.

ونس در مورد مذاکرات خود با ایران گفت: «یک کمپین نفوذ خارجی واقعی برای تضعیف همان توافقی که من دنبال می‌کردم، تأمین مالی می‌شود.»

او در بحبوحه این واکنش‌های دیپلماتیک، بر اولویت‌های داخلی خود تأکید کرد و افزود: «من ابتدا نماینده آمریکایی‌ها هستم و این روشی است که من سعی کرده‌ام این کار را انجام دهم.»

ونس به گزارش مجله تایم که روز دوشنبه منتشر شد و جزئیات کمپین نفوذ خارجی را شرح می‌داد، اشاره کرد. او اشاره کرد که یکی از کارکنان سابق کمپین دونالد ترامپ توسط «عناصر خاصی در دولت اسرائیل» برای انجام حملات هدفمند علیه او پول دریافت کرده است.

معاون ترامپ با اشاره به اینکه این حملات با هدف ایجاد اختلال در مذاکرات مداوم او با ایران انجام شده است، گفت: «آنها با وسواس به من حمله می‌کنند و می‌گویند که ما نباید با ایران مذاکره کنیم.»

ونس در طول مصاحبه با این پادکست به شدت این انتقادات را رد کرد و افزود: «بسیاری از افرادی که آن پول را دریافت می‌کردند، در واقع به روش‌های کاملاً نادرست به من حمله می‌کردند. می‌دانید، پاسخ من به این سوال این است: «خب، به جهنم بروید». من کاری را که باید برای مردم آمریکا انجام دهم، انجام خواهم داد.»

ونس تأکید کرد که «بدون هیچ شکی» می‌داند که افرادی در کابینه رژیم صهیونیستی به دنبال تغییر سیاست ایالات متحده برای حفظ کمپین نظامی خود بوده‌اند.

او گفت: «مردم به من حمله کرده‌اند و گفته‌اند که من تحت تأثیر قطر هستم، تحت تأثیر دولت‌های خارجی هستم، دستورات حرکتم را از تاکر کارلسون می‌گیرم و کلی مزخرفات دیگر هم هست. دولت‌های خارجی همیشه سعی می‌کنند بر ایالات متحده تأثیر بگذارند. اسرائیل این کار را می‌کند. دیگران هم این کار را می‌کنند... چیزی که من را آزار می‌دهد این است که رهبری آمریکا اجازه می‌دهد این نفوذ بر قضاوت آنها و آنچه که از آن حمایت می‌کنند، تأثیر بگذارد.»

آمریکا ۲ میلیارد دلار سامانه موشکی به عربستان می‌فروشد

وزارت خارجه آمریکا بامداد پنجشنبه از موافقت با فروش ۲ میلیارد دلار سامانه‌های موشکی نقطه‌زن به عربستان سعودی خبر داد.

در بحبوحه تجاوزات جدید آمریکا به ایران، واشنگتن با قرارداد نظامی جدیدی برای عربستان سعودی موافقت کرد.

وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که مجوز فروش احتمالی سامانه‌های موشکی دقیق و نقطه‌زن به ارزش ۱.۹۶ میلیارد دلار به ریاض صادر شده است.

این وزارتخانه در بیانیه‌ای گفت: «این قرارداد، با بهبود امنیت یک متحد اصلی غیر ناتو که نیرویی برای ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی در منطقه خلیج فارس است، از اهداف سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا پشتیبانی خواهد کرد».

در این بیانیه آمده است: «این قرارداد، توانایی سعودی را برای بازدارندگی در برابر تهدیدات فعلی و آینده با تقویت دفاع داخلی و بهبود قابلیت همکاری با نیروهای آمریکایی و سایر نیروهای منطقه‌ای و ناتو بهبود خواهد بخشید. همچنین هواپیماهای عملیاتی سعودی را تقویت کرده و توانایی دفاع هوایی و هوایی-زمینی این کشور را افزایش خواهد داد».

واشنگتن همچنین مدعی است که فروش پیشنهادی این تجهیزات و پشتیبانی، توازن نظامی کلی در منطقه را تغییر نخواهد داد.

پیش از این نیز وزارت خارجه آمریکا از موافقت با فروش ۴۸۴ میلیون دلار تجهیزات و قطعات برای هواپیماهای نظامی به کویت خبر داده بود.

آمریکا حملات خود در ایران را به اسرائیل گزارش کرد

به گفته دفتر کاتس، هگست وزیر دفاع اسرائیل را در جریان حملات به ایران قرار داد.

دفتر اسرائیل کاتس، وزیر دفاع اسرائیل، اعلام کرد که او دیشب با پیت هگست، وزیر دفاع ایالات متحده، گفتگو کرده است.

به گزارش از اسرائیل تایمز، به گفته دفتر کاتس، هگست وزیر دفاع اسرائیل را در جریان حملات به ایران قرار داد و دو طرف توافق کردند که همکاری میان دو کشور را در مواجهه با هرگونه تحول احتمالی ادامه دهند.دفتر کاتس همچنین اعلام کرد که او هگست را در جریان حملات اسرائیل در سوریه، غزه و لبنان قرار داده است.

کاتس ادعا کرد: «ما هرگز از ایالات متحده نخواسته‌ایم که در امتداد مرزهایمان به نیابت از ما اقدام کند. ما متعهد به دفاع از شهروندان اسرائیل در برابر هرگونه تهدیدی هستیم و قصد داریم همین کار را انجام دهیم.»

شنیده شدن صدای سه انفجار در اربیل عراق و احتمال کشته شدن آمریکایی‌ها

منابع خبری گزارش دادند که صدای سه انفجار در آسمان اربیل در اقلیم کردستان عراق شنیده شده است.

به گزارش شبکه المیادین گزارش داد که صدای سه انفجار در آسمان اربیل در اقلیم کردستان عراق شنیده شده است.

خبرگزاری رویترز نیز به نقل از منابع امنیتی که به نام آنها اشاره نکرده است، گزارش داد که سامانه‌های پدافند هوایی یک پهپاد حامل مواد منفجره را بر فراز اربیل سرنگون کرده است.

المیادین همچنین از فعال شدن سامانه پدافند هوایی در کنسولگری آمریکا در اربیل خبر داد.

در همین حال، خبرنگار الجزیره گزارش داد که سامانه‌های پدافند هوایی با سه پهپاد در اطراف کنسولگری آمریکا در اربیل مقابله کرده اند.

تاکنون منابع خبری به منشأ شلیک این پهپادها هیچ اشاره ای نکردند.

شبکه المیادین گزارش داد که یک رسانه صهیونیستی اعلام کرد که گزارش‌هایی از کشته شدن چند نظامی ارتش آمریکا در استان اربیل در شمال عراق منتشر شده است.

منابع خبری از جمله شبکه المیادین از شنیده شدن صدای دومین انفجار در سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق خبر دادند.

از ایران و آمریکا می‌خواهیم خویشتنداری کنند

وزارت خارجه پاکستان در پی تنش آفرینی های اخیر واشنگتن علیه تهران اعلام کرد: از ایران و آمریکا می‌خواهیم خویشتنداری کنند.

وزارت امور خارجه پاکستان در پی تنش آفرینی های اخیر واشنگتن علیه تهران و تجاوز غیرقانونی به ایران، در بیانیه ای اعلام کرد: ما امیدواریم که وضعیت تنگه هرمز، به ویژه در مورد ایمنی و امنیت دریانوردی، به حالت عادی بازگردد. بار دیگر از همه طرف‌ها می‌خواهیم که حداکثر خویشتنداری را داشته و از هرگونه اقدامی که صلح را تضعیف می‌کند، خودداری کنند.

در بیانیه صادره از سوی وزارت امور خارجه پاکستان در این باره آمده است: هیچ جایگزینی برای گفتگو و دیپلماسی برای دستیابی به اهداف مشترک صلح و ثبات وجود ندارد.

ما معتقدیم که همه اختلافات باید از طریق گفتگو در میز مذاکره حل شود. یادداشت تفاهم اسلام آباد (میان تهران و واشنگتن) همچنان چارچوبی محکم برای تقویت صلح و احترام متقابل است. علیرغم چالش‌های پیش روی این یادداشت تفاهم، همچنان همه طرف‌ها را به پایان دادن به خشونت و از سرگیری مذاکرات فنی تشویق خواهیم کرد.

این در حالیست که دو تجاوز پیشین و حملات پراکنده اخیر آمریکا به خاک ایران در میانه مذاکرات غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن رخ داد و به جهانیان اثبات کرد که واشنگتن هرگز به دنبال گفتگو نیست.

آمریکا منفورتر و چین محبوب تر شد



نتایج یافته های یک نظرسنجی جدید نشان می دهد، افکار عمومی جهان نظر مثبت تری نسبت به چین پیدا کرده اند و در مقابل دیدگاه منفی نسبت به ایالات متحده آمریکا در میان مردم جهان رو به گسترش است.

به گزارش از بی بی سی، بر اساس یک مطالعه جدید توسط مرکز تحقیقات "پیو" آمریکا، اکنون در بسیاری از کشورهای جهان، چین نسبت به ایالات متحده مثبت‌تر دیده می‌شود. این اولین باری است که این سازمان چنین نتایجی را ثبت می‌کند.

یافته‌های این اندیشکده مستقر در ایالات متحده نشان می‌دهد که دیدگاه‌های مثبت نسبت به چین در بسیاری از کشورها به بالاترین حد خود رسیده است، در حالی که به همین میزان دیدگاه مردم دنیا نسبت به ایالات متحده بدتر شده است.

به طور کلی، پاسخ‌دهندگان اعتماد کمی به دونالد ترامپ و شی جین پینگ، رهبران هر دو کشور ابراز کردند، اگرچه شی جین پینگ امتیاز بالاتری نسبت به ترامپ کسب کرد.

در حالی که ایالات متحده همچنان بیشتر از چین به آزادی‌های فردی احترام می‌گذارد، چین کمتر از ایالات متحده در امور سایر کشورها دخالت می‌کند.

مسه "پیو" این نظرسنجی را بین ماه های فوریه و مه سال جاری میلادی و از بیش از ۴۲ هزار نفر در ۳۶ کشور انجام داده است.

از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که آیا نظر بسیار مطلوب، تا حدودی مطلوب، تا حدودی نامطلوب یا بسیار نامطلوبی نسبت به هر دو ابرقدرت دارند.

این مرکز تحقیقاتی دریافت که در ۲۵ کشور از ۳۶ کشور، تعداد افرادی که دیدگاه‌های مساعدی نسبت به چین دارند، بیشتر از ایالات متحده است.

به گفته "جاناتان شولمن"، یکی از محققان این مطالعه، این اولین باری است که این مرکز که از سال ۲۰۰۲ احساسات جهانی نسبت به ابرقدرت‌ها را پیگیری می‌کند، چنین نتیجه‌ای را در بسیاری از کشورها مشاهده کرده است.

پیو پیش از این نیز شاهد کاهش دیدگاه‌های مثبت نسبت به ایالات متحده بوده است – در سال ۲۰۰۸ و در پایان دولت جورج بوش، و در سال ۲۰۱۷، در آغاز دوره اول ریاست جمهوری ترامپ.با این حال، شولمن به بی‌بی‌سی گفت که حتی در آن زمان، دیدگاه‌های مساعد نسبت به چین تقریبا برابر یا کمی پایین‌تر بود.

اسپانیا، اندونزی، ایتالیا، یونان و کانادا از جمله کشورهایی بودند که بیشترین تغییر مثبت به سمت چین را تجربه کرده اند.

تنها ۶ کشور در نظرسنجی امسال هنوز ایالات متحده را بیشتر دوست دارند که اکثر آنها متحدان سرسخت ایالات متحده هستند: لهستان، فیلیپین، کره جنوبی، هند، ژاپن و اسرائیل.

این مرکز به طور جداگانه دریافت که میانگین نظر مثبت نسبت به آمریکا در ۲۰ کشور در سال‌های اخیر به طور پیوسته کاهش یافته است، در حالی که میانگین نظر مثبت نسبت به چین رو به افزایش بوده است.

محققان همچنین دریافتند که بر اساس یک مجموعه داده گسترده از جمله ایالات متحده، دیدگاه‌های مثبت نسبت به چین در سال‌های اخیر در بیش از یک سوم کشورهای مورد بررسی افزایش یافته است.

و دیدگاه‌های مثبت نسبت به چین در برخی از مکان‌های مورد بررسی امسال، از جمله ایتالیا، اسپانیا، کلمبیا، مکزیک، اندونزی، مالزی، نیجریه و ترکیه، به بالاترین حد خود رسیده است.محققان دریافتند که به طور کلی، کشورهای با درآمد متوسط تمایل به داشتن دیدگاه‌های مثبت نسبت به چین دارند در حالی که کشورهای ثروتمندتر تمایل به داشتن دیدگاه‌های منفی بیشتری دارند.

یک استثنا در این الگو، سنگاپور بود که بالاترین سرانه تولید ناخالص داخلی را در بین کشورهای مورد بررسی و سطح بالایی از مثبت‌اندیشی نسبت به چین داشت.

مثبت‌ترین و منفی‌ترین دیدگاه‌ها نسبت به چین در این نظرسنجی از آسیا و اقیانوسیه بود. به نظر می‌رسد حدود ۹۰ درصد از پاکستانی‌ها چین را ترجیح می‌دهند، در حالی که فقط ۱۱ درصد از ژاپنی‌ها چنین نظری دارند.